

دفتر ثبت احکام و فرامین شاه شجاع الاماک

(۱۳۲) معلوم شرافت و نجابت پناه حقایق و معارف آگاه قدوت العارفین زبدة السالکین میان غلام قادر بوده باشد چونکه از قدیم الایام انشرافت پناه دعا گوی ایندولت خداداد قوی بنیاد میباشند و محبت بندگان همایون مابه خاندان ایشان نهایت است لهذا مرقوم میشود که مطابق معمول شرافت و نجابت پناهان میان صبغت الله و میان غلام حیدر صاحب زاده راروانه انصوب فرمودیم آن حقایق و معارف آگاه با ایشان هم دست و متفق شده انجام و انصرام مطالب نمایند انشاء الله تعالی نتیجه و فواید آنرا ملاحظه خواهید نمود مهماتی که داشته باشید معروض داربد متعلقات ایشان شمول عنایات پادشاهی خواهند شد تحریر ۲۴ شهر جمادی الاول ۱۲۵۶

* * *

(۱۳۳) معلوم عالیجاه رفیع جایگاه امارت و ایالت انتباه اقرب الخاقان میر بابایک والی بوده باشد در اینوقت از مصدر عز و جاه خاقانی شرافت و نجابت پناهان حقایق و معارف آگاهان میان صاحب صبغت الله و میان غلام حیدر صاحب زاده مامور بطرف بخارای شریف گردیده وارد آنجا خواهند شد ، آنعالیجاهان بدرقه و راه بلد همراه ایشانان نموده از حدود خوز سالماً بگذرانند و الطاف و اشفاق همایون را شامل حال دانسته همواره حالات و کیفیات را معروض دارند فی ۲۵ شهر مذکور

شوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

(۱۳۴) معلوم فرزند سعادت اظوار شاهزاده فتح جنگ بوده باشد چونکه املاک عالیجاه عبدالله خان اچکزائی واقع فوشنج بدون قلعه که تپانه سر کار در آنجا مقرر است تعلق خود عالیجاه مذکور دارد احدی دخل و تصرف ننماید که عالیجاه مذکور متصرف و کشت و زراعت خود نماید و یک حجر طاحوله واقع باباولی که زر خرید عالیجاه مذکور است کسی مزاحم و متعرض نشود که عالیجاه مذکور قابض و متصرف باشد آنفرزند حسب المقرر معمول داشته که عالیجاه مذکور املاک فوشنج و طاحوله باباولی متعلق خود را قابض باشد فی ۲۰ شهر جمادی الاول

* * *

(۱۳۵) بجهة نواب گورنر بعد القاب : مراسله محبت تضمین و مکانبه بهجت قرین که متضمن بر خیرت مزاج و هاج کثیر الا ابتهاج و مشتمل بر کلمات مصادقت

آیات بوده، واصل و از مضمون مباحث شمولش استحضاری، کامل حاصل آمد
 چون از انطرف توجهات آن دوستدار بر تنظیم و تنسیق امور نواب همایون، ما از
 فحوای کلام خیر انجام ظاهر بودا گرچه صحن سراستان خاطر محبت نشان از
 گلهای الوان یقین همواره خوشنماست باری به تحریر و ترقیمش نشاط تازه
 و فرحت بی اندازه رونمود. محبت و یگانگی که بخاطر این محب یوماً فیوماً
 رو به ازدیاد می پذیرد دلیلی است قوی و برهانی است جلی که اندوستان در بهبودی
 و نیکنامی نواب همایون ما بغایت کلسی دارند و نواب همایون ما را از خود
 میدانند چنانکه آن دوستدار را نواب همایون ما عین وجود خود میدانند این
 فتوحات غیر مترقبه که از عنایات ایزدی رو بظهور آورد همگی از توجهات آن
 دوستدار است و آینه نیز و ثوق تمام و امید لا کلام است که به مرحام قلبی
 و مراد دل آن دوستدار که ز بانزد خامه محبت علامه گردیده بوقوع آید
 هر چند احوال کارهای مردم این ولایت به نواب همایون ما معلوم است که
 بوقوع آمده و خواهد آمد اما صاحبان که خیر خوا میباشند صلاح ایشان
 را مقدم بر رضای خود دانسته آنچه مصلحت میدانند عمل کرده میشود، غرض
 نواب همایون ما بهمه وجه از حسن گفتار و نیکنامی کار عالیجا و معلی
 جایگاه درایت و فطانت مآب ا بهت و شوکت اسیاب سوا القدر بلند مکان وزیر
 باتوقیر با عزو شان سر و یلیم چی ^{گاه علوم} ^{مکانتین صاحب بهادر} .. رضامند شاید که از
 تدابیر درست و رای صائب عالیجا ^{او تجربه} کاری شها مت و شجاعت
 مرتبت تهو و شوکت منزلت سر ... کاتن صاحب بهادر انشراح دل و تقویت کامل
 او نمایان دوستدار از انطرف بهر وجه در کمال طمانیت بوده از آنجا که افزونی
 دولت اقتدار و ترقی امور و رز دزگار منحصر بر امنیت و حراست رعایا و آسودگی
 و رفاهیت سپاه و حمایت و حفاظت تاجران و پیشه دوران است نواب همایون ما را
 این معنی اتم مطالب و اهم مآرب است انشا الله العزیز بر حسب التماس دوستان
 بعمل خواهد آمد و غرض مندان بی بصارت و بدعت شعار ان بی مروت را دست
 کوتاه خواهد گردید و همگی رعایا خرم و شاد کام خواهند شد آن دوستدار
 که به ارسال ... و اشیاء ار معان اعلام کرده اند این همه از کمال محبت و توجهات متدائره
 و وفور مودت و اهتمامات و افره اندوستان است بی غافلگریستند بی انشراح او افغان اسرار

محبت و مقیمان کوی مودت از غایت بکرنگی دانسته باقی همواره خاطر محبت ذخائر را از نوید صحاح مزاج و هاج مسرور سازید .

(۱۳۶) بتاريخ ۲۷ شهر جمادی الا ول ۱۲۵۶، الحمد لله رب العالمین قیوم السموات والارضین مدیر الخلائق اجمعین وصلوات اله علی افضل المخلوقین الخصوص بجوامع الكلم و سماحة الدین صلواته و سلامه علیه و علی سائر انبیین و آل کمال منهم و سائر الصالحین اما بعد جواهر حمد و سپاس صفا اساس که هر چند سا نجان عقل و حواس و د قیقتان فکرت و احساس یک از صد در ک کنه و حواس آن نمیتواند نمود نثار در گاه پادشاهی بود که نهال توافق سلاطین عالی رتبه و موالفت ولات منیع شوکت مستمر انتظام و بقای مملکت و منهیج ملک و ملت گردانیده تعالی شان و جل برهانه و شمایم صلوات طیبات که از غزال قلم مشکین رقم بیان کیف و کم آن در حین سطور موضع گردا نند بسیط ارض مدور تابساط فلك احضرت از نسیم اذ فرغ غنبر رشک بهشت هشت در گردشایان ... پیغمبر یست که ارم ذات العماد دین به از هار احکام شرع مبین مغبوط ریاض خلد برین ساخته صلی الله علیه و اله وسلم تسبیحاً کثیراً کثیراً . بعد از تقدیس حی قدیم و تسلیم نبی کریم بر ضمیر صفا انتظام که مواد فیض الهام است و بوفور خرد و کیاست محلی هوید اباد ، چون قبل برین فریب دوسال که خبر حرکت طایفه قا جار به و تسلط ایشان به ملک رات بواسطه تحریک ادبا بندگان خوان احسان این دودمان رفیع الشان به مسامح محبت جوامع رسید اگر چه این نیازمند در گاه ایزدی به دیدن روی شاهد شوهر کش دهر را بدیده حق بین بهتر دیده بود اما طبیعت اقتضای آن نموده که دولت افغانی و مملکت ارثی بتصرف غیر و غیر دین رود اراده خاطر این محتاج مراحم الهی سلسله جنبان این مدعا گردید که فی الحقیقت صاحبان انگلیسیه معاونین و ناصرین سر کار افغانیه است به علت اینکه خرابی قوم افغانیه باعث ضرر سر کار انگلیسیه است به حمایت و اعانت صاحبان انگلیسیه پرچم لوای عزیمت به سمت مملکت ارثی کشانیم . در مینا این مقدمه نظر به روابط قدیمه و قرابت قرینه که فی مابین این دودمان رفیع الشان محقق است ، حقیقت حال و کوائف احوال را بسبب رفع اشتباهات اجتماع این دو افواج دولت افغانیه و دولت

سرکار انگلیسیه از ضمیر منیران امیرالمومنین بقید تحریر آورده به مصلحت
 قاصد ار سال نموده بودیم و وزیر سرکار انگلیسیه که در دربار فیض مدار این
 موافقت شعار حاضر و مستحفیض است نیز مکتوبی که مضمونش با مضامین
 نامه محبت علامه واحد بود مصحوب همان قاصد تر سیل ساخت. ثانیا که حق
 تعالی جل شانہ مالک الملك است و رفعت و انحطاط بندگان بفضل کرم اوست
 از قدرت کامله خود صحن سرابستان سلطنت ارثی را از خس و خاشاک ذات
 بخلافین برداخت و این نیازمند در گاه خویش را بافتح و فیر و زی رونق
 افروز کابل ساخت نامجات دیگر که از صورتش معانی یک رنگی می نمود
 ارسال نمودیم و وزیر مختار انگلیسیه که مقتبس انوار حضرت فیض مامور این
 موافقت دستور است مرت ثانیه بر طبق نامجات مودت آیات خطوط محسبانه
 فرستاده. این معنی متضمن بود که کرنیل ستا درت صاحب بهادر که از جانب
 سرکار انگلیسیه به معرفت وزیر مختار انگلیسیه که ملازم جناب محمد شاه
 پادشاه ایران است بطرف بخارای شریف بنابیر آستان بسوسی جناب
 امیرالمومنین مشرف گشته و کدام کس از راه حسد امیرالمومنین را خاطر
 نشان ساخته که این فرنگی جاسوس است. امیرالمومنین نامبرده را محسوس
 ساخته او جاسوس نیست بلکه صاحب معتبر و معتمد است که با او نیکی
 فرمایند و مهر بانی کنند و دیگر ظاهر گردید که معاندان نمک حرام بندوبست
 این معتصم حب المتین عنایات الهی را با صاحبان انگلیسیه بسبب آمدن صاحبان
 به این ملک از راه بی خردی و نامعقولی خدمت آن امیرالمومنین ادا میگرداند.
 ازین جهت عالیجاه محمد حسین خان کاکا... را که جهان دیده است و به
 عهد و پیمان سرکار همایون ما و سرکار انگلیسیه مطلع و رسیده است
 و در افغانستان از کارهای این نیازمند درگاه الهی و در انگلیستان
 و فرنگستان آنچه دیده و از قواید و فواید صاحبان انگلیسیه و روابط و اهتمام
 سخنان قلبی و ضوابط و مرابطات قبسی افغانیه و ازبکیه که سابق در دولتین بود
 ملاحظه نموده روانه آن صوب ذی صواب فرمودیم که آن امیرالمومنین را واقف
 گرداند و منزل دوستی و یک رنگی را از کلمات صداقت آمین تزئین بدهد.
 بهمین اتفاق وزیر مختار انگلیسیه که متفیض خدمت حضور این دوستی ظهور است.